

خطر عبور از قرآن

سید احمد زرهانی



قرآن چراغ راه مسلمانان برای حرکت به سوی سعادت دنیا و آخرت است. عزت و سرافرازی امت اسلامی در گرو عمل به قرآن مجید و سنت پیامبر خدا(ص)، اجتناب از تخریب و تعصب نابجا و پایبندی به کلمه توحید و توحید کلمه است.

مسلمانان با یکدیگر برادرانند و حقوق متقابل بر گردن همدیگر دارند. برادرکشی، پدیده‌ای نامیمون، نشانه‌ای از انحراف از مکتب اسلام و مهلکه‌ای خطرناک به شمار می‌آید. قرآن با صراحت می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ...»^۱. پیشوایان همه مذاهب اسلامی معتقدند کسانی که شهادتین را ادا کنند، مسلمان هستند و جان و مال آنان از تعرض مصون است. ممکن است حتی بین برادران تنی و ایمانی در اثر تراحم منافع و باورهای متفاوت، اختلاف و دشمنی به وجود آید. درمان این بیماری از دیدگاه قرآن، اهتمام به اصلاح ذات بین^۲ و خاموش کردن آتش خصومت است.

سنت پادرمیانی و وساطت در جامعه اسلامی ریشه‌های محکم دارد و استمرار آن پشتوانه‌ای متین برای استحکام برادری دینی است. قرآن مجید با صراحت عرصه مجاز و عرصه ممنوعه تعاون را بیان می‌کند و می‌فرماید: «... تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...»^۳. منطقه مجاز همکاری، گستره نیکوکاری و تقوی و منطقه ممنوعه همکاری، میدان گناهکاری و دشمنی است. حال اگر گروهی از مسلمانان با برداشتهای نادرست از دین و در اثر عصبانیت و عصبیت، دست خود را به برادرکشی آلوده کنند، باید با وساطت و ارشاد عالمان دین به راه درست هدایت و از محیط اثم و عدوان خارج شوند و روی به صلاح و اصلاح آورند و جامعه تقوی و نیکوکاری بیوشند و برای ارتقای عزت امت اسلامی بکوشند.

اگر عالمان، حکیمان و خردورزان جهان اسلام از همه مذاهب چاره‌ای نیاندیشند، بیم آن می‌رود که بدعت برادرکشی فراگیرتر شود و جاهلیت آمیخته با دین به جای دین حنیف در دل‌هایشان رسوخ کند و آتش دشمنیهای

۱. حجرات، ۱۰.

۲. انفال، ۱.

۳. مائده، ۲.



مخرب شعله‌ورتر گردد. قرآن مجید تکلیف آگاهان امت را روشن کرده است و می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».^۴ از معارف قرآن به خوبی روشن می‌شود که سکوت و بی‌طرفی در این هنگامه‌ها جایز نمی‌باشد و باید نور امر به معروف و نهی از منکر، دلها را روشن و راه را از بیراهه نمایان کند. اسلام به وضوح می‌گوید مسلمانان به بهانه دشمنی با همدیگر، نباید از جاده عدل و انصاف خارج شوند و به کژراهه ظلم و بیداد روند. قرآن مجید می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ».^۵

قرآن اجازه نمی‌دهد که دشمنی باعث بی‌عدالتی شود و عمل به عدالت را مقرون به تقوی می‌داند. اگر همه مسلمانان تعریف اسلام را تسلیم خدا بودن می‌دانند، به چه دلیل برخی به خود اجازه می‌دهند که دانسته یا نادانسته از قرآن که کلام خدا است، عبور کنند و دشمنی را منجر به بی‌عدالتی، برادرکشی و از بین بردن حرث و نسل اهل قبله نمایند و با ایجاد شکافهای سهمناک در امت اسلامی، دشمنان جهان‌خوار و مستکبر را شادمان سازند؟ آیا تفاوت علمای اسلامی در استنباط احکام دین مبین از قرآن و سنت و اختلاف در شیوه‌های اجتهاد و تفقه، دلیل محکمی بر تعارض و تفرقه به شمار می‌آید؟ پیشوایان مذاهب اسلامی در طول تاریخ نسبت به آراء همدیگر نقد علمی داشته و هرگز برای این نقادی عالمانه تن به آزار و هتک حرمت مسلمانان نداده‌اند. پس چرا در عصر بیداری اسلامی و بازگشت به قرآن و احیای تفکر دینی، گروهی شمشیر خشونت از نیام درآورده و دوست را به جای دشمن به مسلخ برده‌اند؟

اختلاف در استنباطهای فقهی و کلامی مستمسکی برای تجاوز و تعدی به همدیگر قلمداد نمی‌شود. اگر خدا می‌خواست همه مسلمانان بلکه همه انسانها را با یک سامانه بینشی و درک مشابه می‌آفرید، ولی اراده الهی در خلقت بر این قبیل یکنواختیها تعلق نگرفته و حکمت بالغه حضرت حق مقتضای دیگری داشته است. خداوند می‌فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ. إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ».^۶ از این آیه به خوبی فهمیده می‌شود که مسلمانان باید در پرتو رحمت و هدایت الهی، از کمند اختلافات نفسانی برهند و به سرای سعادت ربانی راه یابند و فلسفه آفرینش در همین هدایت پذیری و راهیابی به ساحت توحید و اتحاد است.

مسلمانان باید به این حقیقت قرآنی دل بسپارند که پیامبر اعظم (ص) به علم‌داران تفرقه تعلق ندارد. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ...»^۷ یعنی تو با کسانی که در اثر تفرقه‌ورزی در دین خود پراکنده‌گی به وجود آورده و گروه گروه شده‌اند، هیچ پیوندی نداری و در حزب و گروه‌هشان نمی‌باشی. هر مسلمان اندیشه‌ورزی می‌داند که جدا افتادن از پیغمبر اکرم (ص) در دنیا و آخرت چقدر ناگوار و زیان‌بار است و شگفتنا به‌رغم این آیات محکم و مبین، تفرقه‌گرایان به نام مسلمانی، در آتش اختلاف می‌دمند و از آشفته کردن جهان اسلام لذت می‌برند و در اینجا کلام حکیمانه خداوند دل را می‌لرزاند که فرموده است: «...»

۴. آل عمران، ۱۰۴.

۵. مائده، ۸.

۶. هود، ۱۱۸ و ۱۱۹.

۷. انعام، ۱۵۹.

كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ».^۸

بدترین اختلاف در بین مسلمانان اختلاف بعد از علم است؛ یعنی پس از آنکه افرادی در معرض شناخت آیات روشن خداوند قرار می‌گیرند و می‌فهمند اختلاف آفرینی نادرست است، پرچم اختلاف را برمی‌افرازند و امت را گرفتار تفرقه می‌سازند و چنین رفتاری از مصادیق عبور از قرآن است. هرچند با خوش باوری و حق‌به‌جانبی صورت پذیرد. قرآن مجید می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ».^۹ نتیجه بارز اعتصام بحبل الله، حرکت از دشمنی به سمت الفت و همدلی است و این موهبت در زبان قرآن شریف «نعمت الله» نام دارد و ثمره آن برادری و رهایی از پرتگاه آتش و نجات از لبه حفره جهنم است.

حال باید برادرکشان از هر گروه، قدری بباندايشند که در کجا قرار دارند؛ در لهیب آتش تفرقه و بر پرتگاه حفره جهنم یا در کنار یار و متصل به حبل المتین پروردگار؟ در صدر اسلام آن‌گونه که تاریخ نشان می‌دهد، مسلمانان عارف و عاقل، کسی را به اتهام دگراندیشی کلامی، فقهی و علمی از پای درنیاورده و حتی منافقان هم در مدینه به‌رغم همه بدکاریها از حقوق انسانی برخوردار بوده‌اند.

افسوس که در این عصر متلاطم، عده‌ای از مسلمانان به جای اهتمام برای خلق تمدن نوپای اسلامی و رویارویی معقول با ترفندهای استعمار نو و تهاجم استکبار جهانی، به جان همکیشان خود افتاده و زمام امور را به جای عقل، به دست احساسات آتشین داده‌اند و فضا را ناآرام می‌کنند. کسانی که تخاصم را از اردوگاه دشمنان اسلام، به درون امت واحده می‌کشانند، بدانند که همراه حضرت ختمی مرتبت (ص) نیستند؛ زیرا قرآن با صراحت می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...».^{۱۰} علامت همراهی با پیامبر اکرم (ص)، شدت عمل علیه کفار متجاوز و مهربانی با مسلمانان است. اگر جای این جاذبه و دافعه عوض شود و دوستی با کافران و دشمنی با مسلمانان رواج پیدا کند، امت اسلامی آسیب پذیر می‌شود و دشمن فرصت نفوذ و تاخت و تاز به دست می‌آورد و روشن است که از هر دری تفرقه وارد شود، از همان در سعادت و رستگاری بیرون می‌رود و اسباب هلاکت فراهم می‌آید و چه زیبا قرآن مجید فرموده است: «... وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ...».^{۱۱}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۸. مؤمنون، ۵۳.

۹. آل عمران، ۱۰۵.

۱۰. فتح، ۲۹.

۱۱. بقره، ۱۹۵.

